

## بسم الله الرحمن الرحيم

مقارن جلسه سوم ۱۳۹۶/۰۷/۱۷

موضوع: لزوم پاسخگوئی روشمند به شبهات (۳) - بهترین روش در پاسخگوئی به شبهات و مناظرات

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما پیرامون تاریخ شبهات بود. عرض شد از روزی که خلقت عالم رقم خورده است بحث شبهات و درگیری‌های فکری رقم خورده است و شامل شبهاتی که توسط ابلیس صورت گرفته تا عصر نبی گرامی اسلام و بعد از او عصر ائمه طاهرين (عليهم السلام) می‌باشد.

ما در این مقدمه، چهار بحث را پی می‌گیریم و تقاضا داریم عزیزان روی این مباحث دقت کنند تا ما بتوانیم این بخش را مقداری زودتر تمام کنیم و به سراغ مبحث اول خود برویم.

ما در بحثی که در مقدمه بیان کردیم موضوعی تحت عنوان "یتکفل بإعطاء فكرة عن الشبهات و تعریفها و بیان انواعها و مناقشئها و ما إلى ذلك"؛ داریم. یعنی: تعریف و معنای شبهه چیست؟! شبهه چه اقسامی دارد و چه انگیزه‌هایی باعث می‌شود شبهه مطرح شود؟!

در مبحث دوم "فی رصد شرایط المتصدی للإجابة"؛ کسی که می‌خواهد به شبهات پاسخ بدهد باید چه شرایطی داشته باشد؟! آیا انسان تنها با خواندن یک مقاله و گوش دادن به یک سخنرانی می‌تواند به شبهه پاسخ بدهد؟! امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌فرماید: کسانی که اهلیت پاسخ دادن به شبهات را ندارند و شبهه پاسخ می‌دهند؛

«فَذَلِك حَرَامٌ عَلَى شِيعَتِنَا»

این کار بر شیعیان ما حرام است.

التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، نویسنده: حسن بن علی، امام یازدهم علیه

السلام، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ص ۵۲۸، ح ۳۲۲

به فرموده امام حسن عسکری کسی که توانایی پاسخ به شبهات را ندارد اگر در مناظره شرکت کند باعث تزلزل ایمان در دل جوانان شیعه و راسخ شدن دشمنان بر اعتقاداتشان خواهد شد.

لذا ما در بخش دوم تمام آنچه که به شرایط پاسخگویی به شبهات مربوط است را با توجه به تجربیات ۴۰ ساله خودمان و آنچه بزرگان تجربه کردند و ثبت کردند و نیز ملاحظه مناظرات و پاسخگویی‌هایی که در عصر ائمه و صحابه و بزرگان بوده را رصد کردیم و ذکر کردیم.

ما نتایج تحقیقات و مشاهدات خود را به صورت شرایط یک تا پنج برای متصدی پاسخگویی، صفات کسی که می‌خواهد پاسخ بدهد و اهلیت کسی که می‌خواهد پاسخگویی شبهات باشد یا ورود به مناظرات داشته باشد را بیان کردیم.

امام حسن عسکری (علیه السلام) ذیل آیه شریفه:

(وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)

و با آنها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن.

سوره نحل (۱۶): آیه ۱۲۵

می‌فرماید: کسی که صلاحیت پاسخگویی به شبهه را ندارد و با این حال در مناظرات شرکت می‌کند؛

«لَا تَدْرِي كَيْفَ التَّخَلُّصُ مِنْهُ، فَذَلِكَ حَرَامٌ عَلَى شَيْعَتِنَا أَنْ يَصِيرُوا فِتْنَةً عَلَى ضُعَفَاءِ إِخْوَانِهِمْ وَ عَلَى

الْمُبْطِلِينَ»

سپس می‌فرماید:

«أَمَّا الْمُبْطِلُونَ فَيَجْعَلُونَ ضَعْفَ الضَّعِيفِ مِنْكُمْ- إِذَا تَعَاظَى مُجَادِلَتَهُ وَ ضَعْفَ مَا فِي يَدِهِ حُجَّةً لَهُ عَلَى

بِاطِلِهِ»

زمانی که کسی نمی‌تواند به شبهه پاسخ بدهد مخالف ضعف او را دلیل بر بطلان مذهب شیعه و حقانیت مذهب خودش می‌گیرد.

«وَأَمَّا الضُّعَفَاءُ فَتَنْعَمُ قُلُوبُهُمْ»

ضعف مناظره کننده باعث می‌شود قلب کسانی که در ایمان ضعف دارند مشوش شود و ذهنشان آشفته شود.

«لِمَا يَرَوْنَ مِنْ ضَعْفِ الْمُجِئِّ فِي يَدِ الْمُبْطِلِ»

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی علیه

السلام، ص ۵۲۸، ح ۳۲۲

لذا بحث دوم ما در این قسمت شرایط کسی است که می‌خواهد به شبهه پاسخ بدهد. در بخش سوم یک سری قواعدی وجود دارد که فرد پاسخگو به شبهات باید به این قواعد آگاهی داشته باشد. آشنایی به این قواعد از ضروریات پاسخگویی به شبهات و از لوازم ورود به مناظرات است.

به عنوان مثال "معرفة مصادر الخصم و بيان المعتمد منها"؛ مثلاً شما در بحث می‌گویید که «قندوزی» و «گنجی شافعی» چنین گفته است، اما آن‌ها می‌گویند که ما هیچکدام از این دو نفر را قبول نداریم. یکی از کارشناسان شبکه‌های وهابی می‌گفت: ما برای «قندوزی» به اندازه یک الاغ هم ارزش قائل نیستیم.

همچنین در مورد تفسیر ممکن است شخص مناظره کننده، «تفسیر ثعالبی» را مدرک قرار دهد یا «تفسیر فخر رازی» را که آنها به خاطر تفکرات فلسفی و اعتزال اصلاً او را قبول ندارند؛ یا از کتب دست سوم و چهارم مثلاً «کنز العمال» اثر «متقی هندی» یا «میزان الاعتدال» اثر «ذهبی» روایت آورد.

من دیدم در بعضی از کتابها زمانی که می‌خواهند لیست بدهند که روایت در منابع متعدد اهل سنت وجود دارد، روایتی را از کتاب «ضعفاء» اثر «عقیلی» آوردند. این کار در حقیقت برای دشمنان مصادره به مطلوب است.

کتاب «ضعفاء» اثر «عقیلی» یا «الموضوعات» اثر «ابن جوزی» روایاتی را که جعلی و ساختگی است آورده است. زمانی که شما می‌گویید «عقیلی» در کتاب خود این مطلب را بیان کرده است همانجا مچ شما را خواهند گرفت و خواهند گفت این روایات جعلی و ضعیف است و مذهب شما به قدری بی‌پایه است که به کتب ضعیف ما و کتبی که مخصوص احادیث ضعیف است استدلال می‌کنید.

من این کار را زیاد دیدم اما نمی‌خواهم نام ببرم، زیرا بعضی از اعظم هم این کار را کردند نمی‌خواهم خدای نکرده نظر آقایان نسبت به بعضی از اعظم عوض شود.

ما باید ببینیم مصادری که می‌خواهیم به آنها استدلال کنیم مثلاً در حوزه تاریخ به چه کتابی استدلال کنیم؟ به عنوان مثال نباید از کتاب «تاریخ یعقوبی» مطلب بیاوریم، زیرا اصلاً برای کتاب «تاریخ یعقوبی» ارزشی قائل نیستند. همچنین اگر از کتاب «مروج الذهب» اثر «مسعودی» مطلبی نقل کنیم قبول نمی‌کنند، زیرا او را شیعه می‌دانند و معتقدند برای ما ارزشی ندارد.

ما باید کتب تفسیری، روایی و رجالی را تک تک مطالعه کنیم و ببینیم کدام یک از این کتب مورد تأیید طرف مقابل است. به طور کلی یکی از مصادیق بارز آیه شریفه:

(وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)

همین است. جدال احسن این است که ما برای طرف مقابل به روایاتی از کتبی که مورد اعتماد آنهاست استدلال کنیم، زیرا در غیر این صورت جز خستگی چیز دیگری برای ما نخواهد داشت.

اگر شما ۵۰ روایت هم از کتاب «لئالی المصنوعه» اثر «سیوطی» روایت نقل کنید، هم خود را خسته کرده‌اید و هم با این کار بهانه‌ای دست مخالفین دادید. زیرا «لئالی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه» اصلاً اسمش رویش است که دارای احادیث جعلی است. روایات این کتاب اصلاً نیازی به پاسخگویی ندارد که آقایان خود را به زحمت بیندازند که سند و دلالت روایت چطور است.

ما تمام این مباحث را در اینجا آوردیم. ما روی این مطالب بیش از سه سال زحمت کشیدیم و شاید بیش از ۴۰ هزار ساعت روی آن وقت گذاشتیم. به عنوان مثال ما مطلبی از کتاب «تاریخ ابن اثیر» آوردیم و گفتیم: فلان عالم گفته که این مطالب مورد تأیید ماست. همچنین روایاتی از کتاب «تفسیر طبری» یا دیگر کتب بیان کردیم، مؤید هم ذکر کردیم.

ما هر کتابی آوردیم تمجید و توثیق یک یا دو تن از علمای اهل سنت را نسبت به آن کتاب بیان کردیم. ان شاء الله در بخش‌های بعد تمامی این مطالب را بیان خواهیم کرد.

یکی از بهترین بخش‌هایی که در این کتاب آوردیم همین بخش است که آمدم مصادره اهل سنت که در میان اهل سنت مورد اعتماد است را به حول قوه الهی استقصاء کردیم. این بحث، بحثی است که اگر دقت بشود برای آقایان تازگی خواهد داشت.

**پرسش:**

استاد! مگر «میزان الاعتدال» یکی از کتب مورد اعتماد اهل سنت نیست؟!

**پاسخ:**

کتاب «میزان الاعتدال» روایات و راویانی را می‌آورد که ضعیف هستند. یک مرتبه شما از کتاب «سیر أعلام النبلاء» یا «تاریخ الإسلام» اثر «ذهبی» مطلب می‌آورید. در این کتب هم ثقات و هم ضعاف باهم وارد شده است.

ولی موضوع له کتاب «میزان الاعتدال» راویان ضعیف است. نمی‌توان گفت روایات صحیح در این کتاب وجود ندارد و شاید روایات صحیح هم باشد. او در یک جا روایاتی را می‌آورد که دیگران گفتند روایت ضعیف است، اما «ذهبی» ثابت کرده روایت صحیح است. ولی چنین مواردی در کتاب «میزان الاعتدال» بسیار نادر است. اگر ما همینطوری بگوییم که «میزان الاعتدال» چنین حرفی را زده خود خلاف مطلوب است.

### پرسش:

استاد ببخشید مطالبی که در مورد شهادت حضرت فاطمه زهرا در این کتاب نقل شده هم مورد انتقاد است!؟

### پاسخ:

این روایت هم در کتاب «میزان الاعتدال» و هم در کتب دیگر وارد شده است، اما ما این مطلب را از کتاب «تاریخ أبو الفداء» آوردیم که مورد تأیید اهل سنت است. ایشان در آنجا راوی را تضعیف می‌کند و می‌گوید: یکی از علائم تضعیف راوی نقل این روایت است.

اگر شما خوب دقت کنید در قضیه شهادت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) به این صورت است. اصلاً به جای آن عبارت، عبارت «ابن تیمیه» است که می‌گوید:

«إِنَّهُ كَبَتَسَ الْبَيْتِ»

به زور وارد خانه شدند.

«لِيَنْظُرَ هَلْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي يَقَسَّمُهُ، وَأَنْ يُعْطِيَهُ لِمُسْتَحِقِّهِ»

تا ببینند علی بن ابی طالب چقدر از بیت المال در منزل خود جمع کرده تا میان مردم منتشر کنند.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني، دار النشر: مؤسسة قرطبة -

۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ۸، ص ۲۹۱

یکی از مشکلاتی که وجود دارد و ما روز اول در فرمایشات مقام معظم رهبری هم خواندیم که سال گذشته اولین روز در درس خارج آن را مطرح کردند نکته ظریفی است. ایشان می‌گویند: بعضی از آقایان اصلاً شبهه را متوجه نمی‌شوند.

### بهترین روش در پاسخگویی به شبهات و مناظرات

به طور کلی فهم شبهه ۵۰ درصد از جواب را برای ما هموار می‌کند. گاهی اوقات ما شبهه را متوجه نمی‌شویم. به قول آیت الله سبحانی که همیشه از طلبه‌هایی که اشکال بیجا می‌گرفتند مثال می‌زد و می‌گفت: من سپر به سر گرفتم، اما این آقا شمشیر به کمر می‌زند! ما باید ببینیم که طرف مقابل در شبهه کجا را مورد هدف قرار داده است.

کتاب «نقد اصول مذهب شیعه» اثر قفاری تقریباً قوی‌ترین کتاب وهابیت علیه شیعه در چهارده قرن است. این کتاب توسط «قفاری» نوشته شده و یکی از کتب درسی دانشگاه مدینه منوره است. ایشان هر شبهه‌ای که از صدر اسلام تا عصر حاضر علیه شیعه مطرح شده را با یک لباس و متد جدید مطرح کرده است.

ما اولین کاری که کردیم این است که تقریر شبهه را مطرح کردیم و توضیح دادیم که این شبهه چه پیامی دارد. ما ابتدا اشکالاتی که شبهه بیان می‌کند را موشکافی کردیم و پس از آن پاسخ دادیم که این کار بسیار راحت است.

لذا یکی از اساسی‌ترین کارها در حوزه پاسخگویی به شبهات یا مناظرات این است که ما خود شبهه را بشناسیم و بدانیم که مستشکل کجا را هدف قرار داده است.

مناظراتی که در شبکه «المستقله» میان وهابیت و علمای ما از جمله آقای «تیجانی»، «دکتر ابو زهرا»، آقای «موسوی» و دیگران مطرح شده بود هم دارای همین موارد بود که باید آنان را ملاحظه کرد. گاهی اوقات شخص وهابی شبهه‌ای را مطرح می‌کند، اما عزیز ما اصلاً توجه به شبهه ندارد و جوابی که می‌دهد اصلاً ارتباطی به شبهه ندارد.

ما در مناظرات عرض خواهیم کرد که وقتی طرف مقابل ۲۰ شبهه مطرح می‌کند ما نه فرصت پاسخگویی و نه امکان پاسخگویی به این تعداد شبهه را داریم.

ما در آنجا به دوستان توصیه می‌کنیم در میان شبهه‌هایی که مطرح شده ببینید ضعیف‌ترین شبهه‌ای که جواب قاطع برای آن دارید کدام است؟ آن شبهه را انتخاب کنید، پاسخ دهید و بگویید: من به یک شبهه پاسخ دادم و دیگر شبهات این آقا به همین صورت است.

این روش یکی از مصادیق بارز آیه شریفه: **(وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)** است. اگر شما یک شبهه قوی را انتخاب کنید و حدود بیست دقیقه در مورد آن پاسخ بدهید می‌گویند این شبهه خیلی مهم بوده و این شخص بیست دقیقه آیات و روایات را کنار هم می‌گذارد تا به این شبهه پاسخ دهد.

بهترین روش در مناظرات این است که وقتی طرف مقابل چندین شبهه مطرح می‌کند فوراً رصد کنیم و ببینیم کدام شبهه اضعف الشبهات است و در مورد آن حضور ذهن داریم. ما ضعیف‌ترین شبهه را انتخاب می‌کنیم، پاسخ می‌دهیم و می‌گوییم دیگر شبهات هم از همین قسم است.

همانطور که آن‌ها هم از همین روش استفاده می‌کند. زمانی که یک عالم شیعی چندین دلیل می‌آورد شبهه‌افکنان رصد می‌کنند که کدامیک از این دلایل از دیدگاه او ضعیف است. به آن دلیل پاسخ می‌دهد و مابقی را بی ارزش جلوه می‌دهد. ما باید در روش مناظره دقت کنیم اسلوب طرف مقابل چیست تا ما هم از آن اسلوب استفاده کنیم.



متأسفانه در بسیاری از موارد ما منفعل عمل می‌کنیم؛ می‌بینیم آنها چکار می‌کنند و ما هم مشابه آنها عمل می‌کنیم. حال آنکه اگر ما مناظرات ائمه طاهرين (عليهم السلام)، اصحاب و علما در طول تاريخ را ملاحظه کنیم می‌بینیم که داستان چیز دیگری است.

دیروز عرض کردم اگر کتاب «المناظرات فی الإمامة» که چهار جلد است را ملاحظه کنید خواهید دید که بزرگان ما چکار می‌کنند و با چه نحو طرف مقابل را به مخمصه و بن بست می‌رسانند.

### نمونه ای قابل توجه در روش مناسب مناظره

بنده به عنوان نمونه مطلبی خدمت آقایان می‌آورم و تقاضا دارم عزیزان خوب دقت کنند. «فضال بن حسن بن فضال» یک صحابی عادی است و همانند «زراره»، «مؤمن الطاق» یا «هشام» انسان بسیار توانمندی نبوده است.

او می‌گوید: من می‌خواهم با «ابوحنیفه» امام اهل سنت مناظره کنم. بعضی از دوستان او می‌گویند: تو توانایی مناظره با او را نداری. زیرا او انسان قوی و توانمندی است. «فضال بن حسن بن فضال» می‌گوید: من برای مناظره می‌روم و برای مناظره حاضر می‌شود.

او وارد بر ابوحنیفه می‌شود، سلام می‌دهد و یک سؤال می‌پرسد. یکی از راه‌هایی که بارها به دوستان توصیه می‌کنم این است که ما به جای آنکه عقاید طرف مقابل را مورد حمله قرار دهیم و احساسات طرف مقابل را تحریک کنیم و از او برای خودمان خصم بسازیم بیاییم با طرح سؤال جلو برویم.

مثلاً بگوئیم که اگر کسی از شما سؤال کند فلان عقیده شما چنین اشکالی دارد چه پاسخی دارید؟! اگر کسی از شما سؤال کند که خلیفه دوم خانه حضرت فاطمه زهرا را مورد تهدید آتش زدن قرار داد و در کتب شما وجود دارد چه جوابی دارید؟!

بنده به شخصه در سخت‌ترین مناظراتی که با بزرگان وهابی در عربستان داشتم از همین روش استفاده کردم. بنده با «شیخ محمد جمیل زینو» یکی از علمای بزرگ مکه با همین روش مناظره کردم. او حدود ۸۰ جلد کتاب نوشته که به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. و برای خودش انسان مهمی هست.

ما در سال ۱۳۸۲ به منزل ایشان رفتیم و با هم بحث می‌کردیم. ایشان چندین سؤال پرسید و ما جواب دادیم. من به او گفتم: ما در حوزه و دانشگاه تدریس داریم. عبارتی وارد شده که «ابن حزم أندلسی» آن را بیان کرده و بعضاً دانشجویان و طلبه‌ها از ما سؤال می‌پرسند و ما پاسخی برای گفتن نداریم. حال که در مهد علم و وحی آمدیم می‌خواهیم ببینیم شما چه جوابی دارید تا ما از شما یاد بگیریم و به طلاب و دانشجویان خود بگوییم. او پرسید: سؤالتان چیست؟!

من گفتم: «ابن حزم أندلسی» در کتاب «المحلی» جلد ۱۱ صفحه ۲۲۴ در رابطه با کسانی که قصد ترور رسول گرامی اسلام را داشتند، می‌گوید:

«أَنَّ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ وَطَلْحَةَ وَسَعْدَ بْنَ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَرَادُوا قَتْلَ النَّبِيِّ وَالْقَاءَهُ مِنَ الْعَقَبَةِ»

المحلی، اسم المؤلف: علی بن أحمد بن سعید بن حزم الظاهری أبو محمد، دار النشر: دار الآفاق الجديدة - بیروت، تحقیق: لجنة إحياء التراث العربی، ج ۱۱، ص ۲۲۴، باب ۹۹

او حیران ماند چه بگوید!! من به ایشان گفتم: به ما در این خصوص پاسخ بدهید تا ما به طلاب و دانشجویان خودمان پاسخ شما را برسانیم.

او گفت: من الآن حضور ذهن ندارم، شما فرداشب بیایید تا به این سؤالتان پاسخ بدهیم. فرداشب ما را نزد ایشان نبردند، بلکه نزد «پروفسور غامدی» بردند و مباحث ما با ایشان هم ادامه داشت تا اینکه مجموع

مناظرات و مباحث ما به سه جلد کتاب تبدیل شد. کتاب «قصة الحوار الهادي» که در اینترنت هم موجود است. دوستان می‌توانند این کتاب را دانلود کنند و از آن استفاده کنند.

در هر صورت یکی از روش‌های خوب در مناظره طرح سؤال است؛ مشاهده کنید که «فضال بن حسن» در مناظره با ابوحنیفه می‌گوید:

«يا أبا حنيفة، إن أخا لي يقول: إن خير الناس بعد رسول الله - صلى الله عليه وآله - علي بن أبي طالب - عليه السلام - و أنا أقول: أبو بكر خير الناس و بعده عمر فما تقول أنت رحمك الله؟»

یا ابو حنیفه! برادری دارم که می‌گوید: بهترین انسان‌ها بعد از رسول الله علی بن ابی طالب است و من می‌گویم بهترین انسان‌ها بعد از رسول خدا ابوبکر و بعد از او عمر است. نظر شما چیست؟!

مشاهده کنید که او با چه ادبیاتی با ابوحنیفه حرف می‌زند!!

«فأطرق مليا ثم رفع رأسه»

او مدتی سرش را پایین انداخت و فکر کرد، سپس سرش را بلند کرد.

«فقال: كفى بمكانهما من رسول الله - صلى الله عليه وآله - كرما و فخرا أما علمت أنهما ضجيعاه في قبره، فأى حجة تريد أوضح من هذا؟»

ابو حنیفه گفت: دلیل افضلیت ابوبکر و عمر نسبت به علی بن ابی طالب این است که آن‌ها در کنار قبر پیغمبر دفن شدند. آیا فضیلتی بالاتر از این می‌خواهی!

«فقال له فضال: إني قد قلت ذلك لأخي، فقال: والله لئن كان الموضع لرسول الله - صلى الله عليه وآله - دونهما فقد ظلما بدفنهما في موضع ليس لهما فيه حق»

فضال گفت: اتفاقاً من این مطلب را به برادرم گفتم، اما او گفت: اگر مکانی که آن‌ها در او دفن شدند متعلق به پیغمبر اکرم است نه آن دو، آن مکان غصبی است.

«وإن كان الموضع لهما فوهباه لرسول الله - صلى الله عليه وآله - لقد أساءوا وما أحسننا إذ رجعا في هبتهما ونسيا عهدهما»

اگر این مکان متعلق به خودشان بوده، به پیغمبر اکرم هبه کرده بودند و دوباره وصیت کردند که آنها را در آنجا دفن کنند از هبه خود برگشتند که این کار هم دون شأن ابوبکر و عمر است.

«فأطرق أبو حنيفة ساعة، ثم قال له: لم يكن له ولا لهما خاصة، ولكنهما نظرا في حق عائشة وحفصة فاستحقا الدفن في ذلك الموضع بحقوق ابنتيهما»

ابوحنیفه ساعتی فکر کرد، سپس گفت: مکانی که آنها در او دفن شدند نه متعلق به ابوبکر و عمر است و نه متعلق به پیغمبر اکرم است. این مکان متعلق به عایشه و حفصه بوده و ابوبکر در حق عایشه و عمر در حق حفصه دفن شده است.

«فقال له فضال: قد قلت له ذلك، فقال: أنت تعلم أن النبي - صلى الله عليه وآله - مات عن تسع نساء ونظرنا فإذا لكل واحدة منهن تسع الثمن، ثم نظرنا في تسع الثمن فإذا هو شبر في شبر»

فضال گفت: اتفاقاً من این پاسخ را هم به برادرم گفتم، اما او گفت: پیغمبر اکرم که از دنیا رفت نه همسر داشت که هرکدام از همسران ایشان در یک هشتم ارث آن بزرگوار شریک است. اگر ما بخواهیم حجره پیغمبر اکرم را قسمت کنیم به هرکدام یک وجب بیشتر نمی‌رسد!

«فكيف يستحق الرجلان أكثر من ذلك؟ وبعد ذلك فما بال عائشة وحفصة ترثان رسول الله - صلى الله عليه وآله - وفاطمة ابنته تمنع الميراث؟»

چطور است که ابوبکر سهم عایشه را یک قبر وسیع تصرف کرد و عمر هم همین مقدار را تصرف کرد.

«فقال أبو حنیفة: یا قوم نحوه عنی فإنه رافضی خبیث»

ابوحنیفه سپس گفت: مردم او را از اینجا بیرون کنید. او رافضی خبیث است!

المناظرات فی الإمامة، نویسنده: الشیخ عبد الله الحسن، ص ۱۷۶، المناظرة الثالثة الثلاثون

مشاهده کنید که او چقدر مؤدبانه و زیبا بحث می‌کند!! روش را مشاهده کنید؛ یک بچه شیعه با امام یک مذهب بحث می‌کند. ملاحظه کنید با چه روشی بحث می‌کند! امام مذهب دیگر جوابی ندارد و به همین خاطر می‌گوید: او را از اینجا بیرون کنید، او رافضی خبیث است. اگر او حرف نادرستی زده شما حرف او را تحلیل کن و جواب بده. وقتی جوابی نداری توهین می‌کنی!!

دوستان دقت کنند که این روش‌ها جواب می‌دهد. من دیروز هم گفتم اگر بحث و مناظراتی که در این کتاب وارد شده دسته‌بندی شود و روش‌ها بیرون بیاید فواید زیادی برای ما دارد. آشنایی با این فنون مناظره سبب می‌شود ما در مباحث، پاسخگویی به شبهات، مناظرات سربلند بیرون بیاییم و این پرچم را به زمین نگذاریم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته